

جامعه و حکومتی را که پیامبر در مدینه بنیان نهاد، حدود ۳۰ سال بعد از آن حضرت به دست پنج نفر از جانشینان ایشان با عنوان «خلیفه رسول الله» اداره شد. در این دوران جامعه اسلامی با مسائل متعددی رو به رو شد، که مهم‌ترین آنها موضوع جانشینی پیامبر، اداره حکومت، تثبیت اسلام در شبه جزیره عربستان و فتوحات مسلمانان در خارج از آن بود. در این درس، شما با جست‌وجو، گردآوری و مطالعه شواهد و مدارک تاریخی، علل، آثار و پیامدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن مسائل را بررسی خواهید کرد.

بحث و گفت‌وگو

احترام و مدارا، یا توهین و تقابل؟

همان‌گونه که می‌دانید پیروان دین اسلام با وجود مشترکات فراوان، در مسئله جانشینی پیامبر با یکدیگر اختلاف نظر دارند. اختلاف در فهم و تفسیر رویدادهای تاریخی و موضوع‌های دیگر، پدیده عجیبی نیست و ممکن است در موارد مختلفی به وجود آید؛ اما نحوه برخورد ما به عنوان یک مسلمان، خواه شیعه یا سنی با چنین مسئله‌ای بسیار اهمیت دارد. یک شیوه برخورد آن است که متعصبانه و بدون اتکا به دلیل و استدلال از نظر و عقیده خویش دفاع کنیم و نسبت به فکر و باور طرف مقابل بی‌احترامی و توهین نماییم و حتی طاقت شنیدن نظر مخالف را نداشته باشیم. روش دیگر آن است که ضمن احترام به دیدگاه و عقیده مخالف و مدارا با کسانی که نظر متفاوتی با ما دارند، از اندیشه و باور خویش با ارائه دلیل و استدلال دفاع کنیم. درباره آثار و پیامدهای دو شیوه دفاع از فکر و عقیده و نحوه برخورد با نظر و باور متفاوت یا مخالف، با یکدیگر گفت‌وگو کنید و بگویید:

الف) انتخاب هر کدام از روش‌های فوق چه تاثیری می‌تواند بر روابط پیروان مذاهب مختلف دین اسلام داشته باشد؟
ب) گروه‌ها و جریان‌های مذهبی - سیاسی را مثال بزنید که با انتخاب روش اول، سبب ایجاد وضعیت و شرایط خاصی در جهان اسلام شدند؟

جانشینی رسول خدا و شکل‌گیری خلافت

ماجرای سقیفه^۱ و انتخاب ابوبکر به خلافت: هنگامی که علی علیه السلام و بنی هاشم مشغول برگزاری مراسم تدفین پیامبر بودند، گروهی از انصار در مکانی موسوم به سقیفه بنی ساعده در مدینه گرد هم آمدند تا درباره تعیین جانشین رسول خدا تصمیم بگیرند. ابوبکر، عمر و ابوعبیده جراح از گروه مهاجران به سرعت خود را به آن جمع رساندند. سرانجام، پس از گفت‌وگو و بحث‌هایی که در آن جلسه صورت گرفت، نخست عمر و ابوعبیده و سپس تعدادی از انصار حاضر در سقیفه با ابوبکر به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر بیعت کردند.

۱- سقیفه به معنای ایوانچه‌ای سقف‌دار (سایبان‌دار) است.

بررسی و تحلیل شواهد و مدارک

بخشی از گفت‌وگوهای اجتماع سقیفه بنی‌ساعده را که منجر به به خلافت ابوبکر شد، بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ مناسب دهید.

سعد بن عباده رئیس خزرجیان از انصار گفت: «ای گروه انصار شما پیش از دیگران به اسلام گرویدید و از این جهت برای شما فضیلتی است که برای دیگران نیست. پیامبر اسلام بیش از ده سال قوم خود را به خداپرستی و مبارزه با شرک دعوت نمود، جز جمعیت کمی از آنان، کسی به او ایمان نیاورد، ولی هنگامی که پیامبر با شما سخن گفت، شما به او ایمان آوردید و دفاع از او را بر عهده گرفتید و برای گسترش اسلام و مبارزه با دشمنان جهاد کردید ... هر چه زودتر زمام کار به دست بگیرید که جز شما کسی لیاقت این کار را ندارد» (تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۳۴۲-۱۳۴۳).

به دنبال آن، ابوبکر برخاست و چنین گفت: «خداوند محمد را برای پیامبری به سوی مردم فرستاد... گروهی از مهاجران به تصدیق و ایمان و یاری او در لحظات سخت بر دیگران سبقت گرفتند و از کمی جمعیت نهراسیدند، ... آنها خویشاوندان پیامبرند و به زمام‌داری و جانشینی شایسته‌تر می‌باشند... اگر از گروه مهاجرین بگذریم هیچ‌کس به مقام و موقعیت شما (انصار) نمی‌رسد. بنابراین، چه بهتر ریاست خلافت را مهاجرین به دست بگیرند و وزارت و مشاوره را به شما واگذار کنند» (همان، ص ۱۳۴۵). ابوبکر با اشاره به دو دستگی انصار و سابقه جنگ و خونریزی میان آنان، گفت هرگاه یک نفر از شما خود را برای خلافت آماده کند، بسان این است که خود را میان کام شیر افکنده باشد (البیان والتبیین، ج ۲، ص ۱۸۱).

آنگاه حُباب بن مُنذر از جانب انصار و عمر و ابوعبیده از طرف مهاجران سخن گفتند و دلایلی را برای تعیین جانشین از گروه خویش بیان کردند. بشیر بن سعد که پسر عموی سعد بن عباده بود و از تمایل انصار به ریاست او به شدت ناراحت بود، برخلاف انتظار گفت: پیامبر از قریش است، خویشاوندان پیامبر برای زمام‌داری از انصار شایسته‌ترند، چه بهتر که کار خلافت را به خود آنان واگذار نماییم و مخالفت نکنیم.

پس از آن بود که ابوبکر رو به مردم کرد و گفت به نظر من عمر و ابوعبیده برای خلافت شایستگی دارند. با هر کدام می‌خواهید بیعت کنید، ولی آن دو نفر برخاستند و به ابوبکر گفتند تو از ما شایسته‌تری ... چه کسی می‌تواند در این امر بر تو سبقت بگیرد، و بی‌درنگ دست ابوبکر را به عنوان بیعت فشرده.

یکی از بزرگان قبیله اوس از گروه انصار رو به افراد خود کرد و گفت: «هر گاه خزرجیان، گوی خلافت را برابند و زمام امور را به دست بگیرند، یک نوع فضیلت و برتری پیدا می‌کنند، هر چه زودتر برخیزید و با ابوبکر بیعت کنید». اوسیان نیز همگی به تبعیت از او با ابوبکر بیعت کردند. ولی رئیس خزرجیان و افراد قبیله او از بیعت خوداری ورزیدند (تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۳۴۵-۱۳۴۸).

با توجه به مباحث مطرح شده در سقیفه:

الف) اشخاص و یا نمایندگان هر یک از گروه‌های مسلمان برای حقانیت خود در جانشینی پیامبر بر چه معیارهایی تأکید کردند؟ به نظر شما آیا این معیارها برای تعیین جانشین پیامبر مناسب و یا کافی بود؟ چرا؟

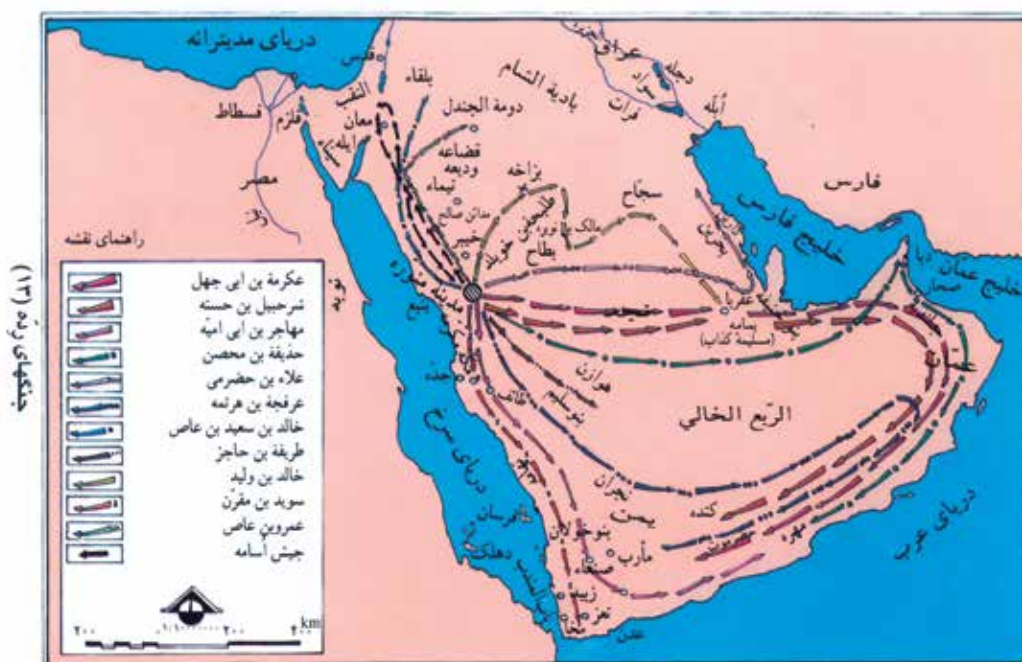
ب) پیوندهای قومی و قبیله‌ای و رابطه قبیله‌ها با یکدیگر در دوران جاهلیت، چه تأثیری بر گفت‌وگوهای سقیفه و نتیجه آن داشت؟

پ) به نظر شما، به حساب نیاوردن خاندان پیامبر و بنی‌هاشم در چنان مجلسی که سرنوشت مسلمانان در آن تعیین می‌شد، چه دلیلی داشت؟

بحران ارتداد و جنگ‌های رده: پس از رحلت پیامبر و آغاز خلافت ابوبکر، تعداد زیادی از قبیله‌های بادیه‌نشین عربستان، دین اسلام را ترک کردند و سر به شورش برداشتند. این گروه به مُرتدان یا از دین برگشتگان معروف شدند. اعضای این قبیله‌ها در سال‌های پایانی زندگانی رسول خدا و صرفاً به علت گسترش قدرت مسلمانان، اسلام آورده بودند و با تعالیم آن انس و آشنایی نداشتند. علاوه بر مُرتدان، چند تن نیز به دروغ ادعای پیامبری کردند^۱ و با گرد آوردن افرادی به دور خود، با حکومت مدینه به مخالفت برخاستند. گروه دیگری از شورشیان را افراد و قبیله‌هایی تشکیل می‌دادند که نسبت به خلافت ابوبکر معترض بودند و ایشان را به عنوان خلیفهٔ پیامبر به رسمیت نمی‌شناختند و از پرداخت زکات به نمایندگان وی خودداری کردند.

ابوبکر پس از استقرار بر مسند خلافت، سپاهی را گرد آورد و به مقابله با مرتدان، پیامبران دروغین و دیگر معترضان فرستاد. این سپاه همهٔ شورش‌ها و نافرمانی‌ها را فرونشاند و حاکمیت مدینه را دوباره بر شبه‌جزیرهٔ عربستان برقرار کرد. با خاتمهٔ جنگ‌های رده، خلیفهٔ اول این سپاهیان را به سوی مرزهای ایران و روم و جهاد در قلمرو امپراتوری روم و حکومت ساسانیان گسیل داشت.

خلافت عمر و عثمان: خلیفهٔ اول (ابوبکر) اندکی بیش از دو سال خلافت کرد. او در واپسین لحظات زندگی، طی وصیت‌نامهٔ مکتوبی، عُمَر بن خطاب^۲ را که در سال ششم بعثت اسلام آورده بود، به جانشینی خود معرفی و منصوب کرد. از مهم‌ترین رویدادهای دوران خلیفهٔ دوم (ح ۱۳ – ۲۳ق)، فتوحات مسلمانان در سرزمین‌های اطراف شبه‌جزیرهٔ عربستان بود. خلیفهٔ دوم پیش از مرگ^۳، شورایی شش نفره تشکیل داد و اعضای آن را مأمور کرد که از میان خود یک نفر را به عنوان خلیفه برگزینند. گفت‌وگوها و رایزنی‌های اعضای آن شورا، به گونه‌ای پیش رفت که سرانجام عثمان بن عفان^۴ از خاندان بنی‌امیه به عنوان خلیفهٔ سوم (ح ۲۳ – ۳۵ق) انتخاب شد.



ماخذ: کتاب اطلس تاریخ اسلام، اثر دکتر صادق آئینه‌وند

- ۱- پیامبران دروغین عبارت بودند از: اَسود عَنسی، مُسَیلمه بن حَبیب، سِجَاح دختر حارث و طلحه بن خُوَیَیْد.
- ۲- عمر از طایفه بنی‌عدی، یکی از طایفه‌های قبیلهٔ بزرگ قریش بود. این طایفه در دوران جاهلیت هم‌پیمان طایفهٔ بنی‌امیه به شمار می‌رفت.
- ۳- خلیفهٔ دوم به دست غلامی ایرانی به نام بیروز یا فیروز نُه‌اوندی، ملقب به ابولؤلؤ مجروح شد و بر اثر شدت جراحت از دنیا رفت.
- ۴- عثمان در زمان ابوبکر از افراد نزدیک به خلیفه بود و کاتب وی به شمار می‌آمد؛ در دوپهٔ عمر نیز نفوذ قابل توجهی داشت.



شورای شش نفره و خلافت عثمان

اعضای شورایی را که عمر برای گزینش خلیفه سوم تعیین کرد، عبارت بودند از: علی علیه السلام، عثمان، عبدالرحمان بن عوف، سعد بن ابی وقاص، طلحه و زبیر. خلیفه دوم مقرر کرد که در این شورا، اقلیت باید به نظر اکثریت تمکین کند و در صورت مخالفت گردن زده شود. همچنین شرط نمود، در صورتی که سه نفر در برابر سه نفر قرار گیرند، حق با گروهی است که عبدالرحمان بن عوف در آن است. سعد بن ابی وقاص حق رأی خود را به عبدالرحمان واگذار کرد. زبیر نیز حق خود را به علی علیه السلام داد. ابن عوف به حضرت علی پیشنهاد کرد، خلافت را به شرط عمل به کتاب خدا، سنت پیامبر و سیره ابوبکر و عمر بپذیرد، اما آن حضرت، تنها شرط عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر را قبول کرد. عثمان، تمام شرایط عبدالرحمان را پذیرفت و به خلافت برگزیده شد.

عثمان که مردی نرم خو و خویشاوند دوست بود، روش متفاوتی نسبت به خلفای پیش از خود در پیش گرفت. خلیفه سوم، مروان بن حکم پدرش را که پیامبر از مدینه رانده بود، به آن شهر بازگرداند. او همچنین خویشاوندان خود از بنی امیه را بر سر کار آورد و دست آنان را در اداره امور خلافت باز گذاشت. برخی از صحابه پیامبر همچون ابودر غفاری، عمار یاسر، نسبت به رفتار عثمان و منصوبان وی انتقاد و اعتراض کردند. خلیفه که تحت تأثیر اطرافیان و مشاوران خود از جمله مروان حکم قرار داشت، انتقادکنندگان را تنبیه و تبعید نمود. مردم از مناطق مختلف مانند عراق و مصر برای رساندن صدای اعتراض خویش به گوش عثمان، به مدینه آمدند. علی علیه السلام میان مردم و خلیفه میانجی‌گری کرد. خلیفه پذیرفت که روش خود را تغییر دهد، اما اطرافیانش مانع این کار شدند. به همین دلیل، معترضان خشمگین سرانجام به خانه خلیفه ریختند و او را به قتل رساندند.

خلافت امام علی علیه السلام (ح ۳۵ - ۴۰ ق): پس از عثمان، مردم در مدینه به اصرار از علی علیه السلام خواستند که خلافت و بپذیرد و با

تصویر منزل امام علی علیه السلام در کوفه

آن حضرت بیعت کردند. امام مصمم بود که مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر عمل نماید؛ از این رو، سران قریش و به ویژه اشراف بنی امیه که از بیعت با ایشان خودداری کرده بودند، به مخالفت و دشمنی برخاستند. از جمله معاویه پسر ابوسفیان که توسط علی علیه السلام از حکومت شام برکنار شده بود، به بهانه خونخواهی عثمان، به سرکشی پرداخت. معدودی از بزرگان قریش مانند طلحه و زبیر نیز که بیعت کرده بودند، چون امام با تقاضایشان برای به دست گرفتن حکومت برخی شهرها و مناطق موافقت نکرد، بیعت خود را شکستند و به صف مخالفان پیوستند. نصیحت‌ها و کوشش‌های مسالمت‌آمیز امام علی علیه السلام برای بازداشتن مخالفان از سرکشی و جلوگیری از جنگ داخلی میان مسلمانان، به نتیجه نرسید و آن حضرت ناگزیر به

دفع سرکشی‌ها و آشوب‌گری‌هایی شد که اشراف بنی امیه نقش مهمی در ایجاد آن داشتند. بدین منظور امام مرکز خلافت را از مدینه به کوفه منتقل و در سه جنگ جمل، صفین و نهروان با دشمنان مقابله کرد.

۱- مروان بن حکم از خاندان بنی امیه، در کودکی به همراه پدرش به دستور پیامبر از مدینه به طائف تبعید شد. عثمان پس از آنکه به خلافت رسید، آنان را به مدینه بازگرداند و مروان را کاتب و مشاور مخصوص خویش کرد. مروان در جنگ‌های جمل و صفین با امام علی علیه السلام جنگید و در سال ۴۶ ق. به عنوان چهارمین خلیفه اموی، قدرت را به دست گرفت.



تحلیل وضعیت دوران خلافت علی علیه السلام به قلم یک پژوهشگر معاصر

«کشوری پهناور، ایالت‌هایی با مردمی از نژادهای گوناگون، داعیه‌دارانی در گوشه و کنار منتظر و از همه مهم‌تر در داخل مدینه تنی چند خواهان خلافت. سنت پیغمبر و سیرت بعضی یاران او در طول یک ربع قرن دگرگون شده و او باید این دگرگونی را بردارد و روش رسول خدا را که می‌رفت تا از میان رود، زنده سازد. مردمی که سال‌ها به تن‌آسایی و مال‌اندوزی خو گرفته و برای خود امتیازهایی به دست آورده بودند، و چرخ سیاست حجاز و قلمرو اسلامی به دست آنان می‌گشت، ممکن نبود به زندگانی ساده و بی‌آلایش و مساوات دوره پیغمبر برگردند. آنان خلیفه‌ای دست و دل‌باز و سازشکار می‌خواستند و مسلم بود که علی علیه السلام مرد سازش نیست... و چون وی در تقسیم بیت‌المال همه را به یک چشم نگریست... رفتار او در نظر مردمی که ربع قرن با روشی خاص خو گرفته بودند، خوش نیامد» (شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۱۵۰-۱۵۱).

کاوش خارج از کلاس

به سه گروه تقسیم شوید و اعضای هر گروه با استفاده از محتوایی که دبیر در اختیار شما قرار می‌دهد، در باره زمینه‌ها، عوامل، نتیجه و پیامدهای سیاسی و اجتماعی یکی از سه جنگ جمل، صفین و نهروان، مطالبی تهیه و در کلاس ارائه دهید. پس از شهادت علی علیه السلام (۲۱ رمضان ۴۰)، مردم در کوفه با پسر و وصی آن حضرت، امام حسن علیه السلام بیعت کردند.

فعالیت ۲

پس از مطالعه درس، همفکری کنید و بگویید، شیوه به خلافت رسیدن خلفای نخستین چه تفاوت و شباهتی با هم دارد؟

مجدد تعصبات طایفه‌ای و قبیله‌ای در درون جامعه اسلامی شد. علی علیه السلام در دوران حکومتش قصد داشت با عمل به تعالیم اسلام و سنت رسول خدا، برادری و یگانگی دینی را به امت اسلامی بازگرداند، اما در نتیجه اختلاف‌های سیاسی و جنگ‌های داخلی که پیش آمد، تفرقه و چنددستگی میان مسلمانان بیشتر شد. این جنگ‌ها به دشمنی و درگیری‌های طایفه‌ای و قبیله‌ای دامن زد و حتی باعث به وجود آمدن رقابت منطقه‌ای بین عراق و شام شد که تا سال‌ها پس از آن ادامه داشت.

تحولات اجتماعی دوران خلفای نخستین: پس از رحلت پیامبر، به‌خصوص در پی اختلافی که میان مسلمانان بر سر جانشینی پیامبر در سقیفه بنی‌ساعده به وجود آمد، اتحاد امت اسلامی آسیب دید. با این حال، ابوبکر و عمر در دوران زمامداری خویش تا حدودی مراقب بودند که عدالت را میان افراد و گروه‌های مختلف مسلمان رعایت کنند و از هر دو گروه مهاجر و انصار افرادی را به سمت‌های فرماندهی سپاه و حکومت شهرها و نواحی مختلف قلمرو خلافت برمی‌گزیدند. سیاست خویشاوندگرایی عثمان، علاوه بر ایجاد نارضایتی در میان مسلمانان، باعث تشدید اختلافات و اوج‌گرفتن

تحولات اقتصادی دوران خلفای نخستین: از نظر اقتصادی نیز

خلیفه دوم این درآمدها را به عنوان عطایا میان مسلمانان توزیع کرد. نحوه توزیع عطایا توسطه خلیفه دوم، اگرچه برپایه مساوات اسلامی نبود، اما ساده‌زیستی و سختگیری ایشان نسبت به کارگزاران خلافت و بزرگان قریش، از ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی آنان جلوگیری کرد.

وضعیت جامعه اسلامی در دوران خلفای نخستین دگرگون شد. در دوران خلافت عمر و عثمان درآمدهای فراوانی از سرزمین‌های ثروتمندی که فتح شده بود به خزانه مسلمانان در مدینه سرازیر شد.

نحوه توزیع بیت‌المال در زمان خلافت خلیفه دوم

سهم دریافتی	افراد و گروه‌ها
۱۲۰۰۰ درهم	عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر
۱۲۰۰۰ درهم	عایشه، همسر رسول خدا
۱۰۰۰۰ درهم	دیگر همسران پیامبر
۵۰۰۰ درهم	مهاجرانی که در جنگ بدر حضور داشتند
۴۰۰۰ درهم	انصاری که در جنگ بدر حضور داشتند
۴۰۰۰ درهم	أسامه بن زید و عمر بن ابی سلمه
۴۰۰۰ درهم	حاضران در جنگ احد و پس از آن تا صلح حدیبیه
۳۰۰۰ درهم	حاضران در حوادث پس از صلح حدیبیه و کسانی که قبل از فتح مکه هجرت کرده بودند
۳۰۰۰ درهم	فرزندان جوان مهاجر و انصار
۱۰۰۰ درهم	کسانی که پس از فتح مکه مسلمان شدند
.....

مأخذ: ماوردی، الاحکام السلطانیة، ص ۲۰۰؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۲۱۴.

فعالیت ۳

به جدول مقابل خوب دقت کنید و بگویید خلیفه دوم برای توزیع بیت‌المال میان مسلمانان چه معیارهایی را در نظر داشته است؟

وسیعی را در ایران، شام و مصر تصرف کردند و از درآمدهای کلان آنها برای ساخت خانه‌های مجلل و خوشگذرانی در مدینه و دیگر شهرها استفاده کردند.

در دوران عثمان بذل و بخشش‌های فراوانی از بیت‌المال مسلمانان به بستگان و حامیان خلیفه، به خصوص خاندان بنی‌امیه صورت گرفت. وی محدودیت‌هایی را که عمر برای ثروت‌اندوزی سران قریش ایجاد کرده بود، نادیده گرفت؛ از این رو، آنان اراضی و مزارع

بررسی شواهد و مدارک

- برداشت و تحلیل خود را از متن زیر بیان کنید.

ولیدبن عتبّه، برادر ناتنی عثمان که حاکم کوفه بود، مبلغ زیادی از بیت‌المال قرض گرفت و نمی‌خواست آن را پس دهد. عبدالله بن مسعود که مسئول بیت‌المال بود، به عثمان شکایت برد. خلیفه در پاسخ او گفت: «تو خزانه‌دار ما هستی و نباید نسبت به ولید از آنچه از بیت‌المال برمی‌دارد، تعرض نمایی». ابن مسعود به خشم آمد و گفت: «گمان می‌بردم که خزانه‌دار مسلمانان هستم، اما اگر چنین است، مرا بدان حاجتی نیست» (بلاذری، انساب‌الاشراف، ج ۵، ص ۳۱).

علی علیه‌السلام در دوران خلافتش تلاش کرد که عدالت و مساوات اسلامی را اجرا کند. از این رو، بیت‌المال را به‌طور مساوی میان تمام مسلمانان اعم از عرب و غیرعرب، سیاه و سفید و بنده و آزاد تقسیم کرد. برخی مسلمانان، از جمله طلحه و زبیر به این شیوه توزیع بیت‌المال اعتراض کردند و از آن حضرت خواستند که عرب و قریش را برتر از عجم^۱ و موالی قرار دهد؛ اما امام این کار را ستمگرانه دانست و فرمود: «تمام قرآن را تلاوت کردم و برای فرزندان اسماعیل [اعراب] بر فرزندان اسحاق [غیراعراب] به اندازه این چوب [تکه چوبی که از زمین برداشته بود] برتری نیافتم».^۲ منظور آن حضرت از بیان این جمله، آن بود که ایشان معیارهای قومی، قبیله‌ای، خویشاوندی و یا تقدم و تأخر در قبول اسلام را در توزیع بیت‌المال در نظر نخواهد گرفت.

فتوحات مسلمانان و گسترش اسلام

یکی از رویدادهای مهم تاریخ اسلام در دوران خلفای نخستین، لشکرکشی اعراب مسلمان به سرزمین‌های مجاور شبه‌جزیره عربستان بود. در نتیجه این لشکرکشی‌ها که از زمان خلافت ابوبکر آغاز شد و تا پایان خلافت عثمان بدون وقفه ادامه یافت، سرزمین‌های ایران، شام و مصر فتح شد و اسلام به تدریج در آن سرزمین‌ها گسترش پیدا کرد. در زمان خلافت امام علی علیه‌السلام فتوحات متوقف شد.

نقشه جغرافیایی فتوحات مسلمانان در دوران خلفای نخستین

۲- یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۲۸.

۳- در درس ۸ فتح ایران به تفصیل بررسی خواهد شد.

در جریان فتوحات، مسلمانان هنگامی که به سپاه دشمن برخورد می‌کردند و یا به آبادی و شهری می‌رسیدند، طبق تعالیم اسلام و سنت پیامبر، سه پیشنهاد را به آنان ارائه می‌دادند: اول، اسلام بیاورید؛ دوم، تسلیم شوید و جزیه پرداخت نمایید و سوم، بجنگید.

بیشتر بدانیم

پذیرش هر یک از پیشنهادهای سه‌گانه‌ای که مسلمانان هنگام برخورد با سپاه یا مردمان غیرمسلمان ارائه می‌کردند، وضعیت متفاوتی را به وجود می‌آورد. چنانچه پیشنهاد اول مورد قبول قرار می‌گرفت و طرف مقابل اسلام می‌آورد، آنان از حقوقی برابر با دیگر مسلمانان برخوردار می‌شدند، اموال و دارایی‌هایشان محفوظ می‌ماند و همچون سایر پیروان اسلام ملزم بودند که زکات بپردازند. اگر پیشنهاد دوم مورد قبول طرف مقابل قرار می‌گرفت و راضی به پرداخت جزیه می‌شدند، مسلمانان نیز امنیت جان و مال آنان را تضمین می‌کردند و به آنان اجازه می‌دادند که بر دین خویش باقی بمانند و آداب و مناسک مذهبی خود را به جا آورند. همچنین امنیت و احترام پرستگاه‌های آنها مانند کلیساها و آتشکده‌ها ضمانت می‌گردید. البته پیشنهاد دوم فقط از پیروان کتاب‌های آسمانی مانند یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان پذیرفته می‌شد که به آنان اهل ذمه هم می‌گفتند. در صورتی که کار به جنگ می‌کشید، نتیجه جنگ، تکلیف دو طرف را مشخص می‌کرد.

فتح شام^۱



آثار باستانی تدمر (پالمیرا) پیش از تخریب توسط گروه داعش

سرزمین شام در غرب آسیا، به عنوان نقطه اتصال زمینی و دریایی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، همواره از موقعیت فوق‌العاده مهمی برخوردار بوده است. این سرزمین تاریخ و تمدنی کهن دارد و در دوران باستان محل برخورد تمدن‌های کهن بین‌النهرین، ایران، مصر، یونان و روم بوده است.

منطقه شام هنگام حمله اعراب مسلمان، زیر سلطه امپراتوری روم قرار داشت. در آن زمان تعدادی از قبیله‌های عرب در آن منطقه حضور داشتند. بسیاری از این اعراب و دیگر ساکنان بومی منطقه شام پیرو مسیحیت بودند، اما در برخی از مسائل مذهبی با کلیسای قسطنطنیه، پایتخت امپراتوری روم اختلاف اساسی داشتند.

اختلافات مذهبی و تفاوت‌های قومی، فرهنگی و زبانی که میان توده‌های مردم شام با طبقه حکومتگر رومی وجود داشت، از جمله عواملی مهمی بود که پایه‌های حاکمیت امپراتوری روم را بر این منطقه سست کرده بود.

فعالیت ۵

بررسی و تحلیل زمینه‌ها و عوامل رویدادهای تاریخی

الف) به عنوان مورخ یا محقق که در موضوع فتح شام تحقیق می‌نمایید، بگویید که بررسی پیشینه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن منطقه برای تحقیق شما چقدر اهمیت دارد؟
ب) عواملی را که به نظر شما در موفقیت مسلمانان در فتح شام دخالت داشته، از متن درس استخراج و دسته‌بندی کنید.

۱- شام یا شامات، اصطلاحی تاریخی - جغرافیایی است که به منطقه وسیعی در غرب آسیا گفته می‌شود که از شمال به آسیای صغیر (ترکیه امروزی)، از غرب به دریای مدیترانه، از جنوب به شبه‌جزیره عربستان و از شرق به بین‌النهرین محدود می‌شود. این منطقه، کشورهای سوریه، لبنان و فلسطین کنونی را در بر می‌گیرد.

ابوبکر، در اواخر خلافت خود، چندین دسته سپاه را به سوی منطقه شام فرستاد. این سپاهیان در چندین نبرد که بیشتر آنها در زمان خلافت عمر به وقوع پیوست، نیروهای رومی و متحدان محلی آنان را شکست دادند و شهرها و آبادی‌های آن منطقه را یکی پس از دیگری، اغلب با پیمان صلح گشودند. در این پیمان‌ها، حفظ جان و مال، آزادی دین و عقیده مردم آن شهرها در برابر تسلیم و پرداخت

جزیه تضمین شده بود. تمایل اعراب مسلمان به فتح صلح‌آمیز سرزمین‌ها و آبادی‌های مختلف از این نکته معلوم می‌شود که در جریان محاصره شهر بیت‌المقدس (ایلینا)، ساکنان مسیحی شهر اعلام کردند که فقط در حضور خلیفه، قرارداد صلح و تسلیم شهر را امضاء می‌کنند. مسلمانان با بردباری این شرط را پذیرفتند و بدین منظور خلیفه دوم از مدینه به بیت‌المقدس رفت.

فعالیت ۶

بررسی شواهد و مدارک

قسمت‌هایی از متن صلح‌نامه بیت‌المقدس (ایلینا) را مطالعه کنید و دلایل خود را در پذیرش یا رد ادعای رفتار مسالمت‌آمیز و مداراجویانه مسلمانان بیان کنید.

«این نامه امانی است که عمر، امیر مؤمنان به مردم ایلینا می‌دهد، خودشان و اموالشان و کلیسایانشان و صلیب‌هایشان، سالم و بیمارشان و دیگر مردمشان را امان می‌دهد؛ کلیسایانشان مسکون و ویران نشود و از آن نگاهند و حدود آن را کم نکنند، از صلیب و اموالشان نیز، و در کار دینشان مزاحمت نبینند و کسی از ایشان زیان ببیند و کسی از یهودان در ایلینا با آنها مقیم نشود.

مردم ایلینا باید جزیه دهند، چنانکه مردم شهرها می‌دهند و باید رومیان و دزدان را از آنجا بیرون کنند. کسانی که برونجان و مالشان در امان است تا به امانگاهشان برسند و هر که بماند در امان است» (تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۷۸۹-۱۷۹۰).

بیشتر بدانیم



جزیه

جزیه مالیات سرانه‌ای بوده است که فاتحان مسلمان از پیروان اهل کتاب در قلمرو خویش دریافت می‌کردند. میزان جزیه بر اساس سطح درآمد افراد تفاوت داشت. زنان، کودکان، سالخورده‌گان، از کارافتادگان و پیشوایان دینی از پرداخت آن معاف بودند. شواهد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که جزیه فقط به عنوان مجازات عدم پذیرش اسلام بر کسی تحمیل نمی‌شده، بلکه برای تأمین امنیت جان و مال اهل کتاب و معاف کردن آنان از حضور در جنگ وضع می‌شده است. از این رو، خالد بن ولید در پیمان صلحی که با مردم حیره بست، متعهد شد که: «اگر ما از شما حفاظت کردیم، سرانه حق ماست و گرنه، نباید پرداخت کنید تا شما را حفاظت کنیم» (تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۵۰۴).

ابوعبیده جراح، یکی از فرماندهان مسلمان در جریان فتح سرزمین شام، هنگامی که شنید، هراکلیوس، امپراتور روم شرقی، سپاه بزرگی را برای بیرون راندن مسلمانان از آن سرزمین آماده و تجهیز کرده است، جزیه اخذ شده از مسیحیان را به آنان بازگرداند. زیرا احتمال می‌داد که ممکن است مسلمانان شکست بخورند و نتوانند به وظیفه خود در پاسداری از جان و مال جزیه‌دهندگان عمل کنند (کتاب خراج ابویوسف، ص ۱۳۹). همچنین برخی از اهل کتاب که با مسلمانان در جنگ‌ها شرکت می‌کردند، نه تنها از دادن جزیه معاف می‌شدند، بلکه از غنیمت‌های جنگی نیز سهم خود را می‌گرفتند (بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۵۹).

فتح مصر

مصر نیز همچون شام، به هنگام ظهور اسلام، بخشی از قلمرو امپراتوری روم شرقی بود. اسکندریه^۱ در شمال مصر، یکی از مراکز مهم نیروی دریایی آن امپراتوری به شمار می‌رفت. با وجود تسلط رومیان بر مصر، موقعیت مسلمانان در شام و حتی در شبه‌جزیره عربستان در معرض خطر جدی بود. از این رو مسلمانان بعد از فتح شام در صدد برآمدند که مصر را نیز تسخیر کنند. عمروعاص^۲ که آبادانی و ثروت فراوان آن سرزمین را از نزدیک مشاهده نموده و تا اندازه‌ای با وضعیت سیاسی و اجتماعی آن‌جا آشنا بود، فرماندهی سپاه اعراب مسلمان را در حمله به مصر به عهده گرفت.

مصریان به دلایل مختلفی نسبت به حاکمیت امپراتوری روم بر سرزمین خویش ناخشنود بودند؛ از یک سو مالیات‌های سنگینی را می‌پرداختند و از سوی دیگر اجازه نداشتند که به مقام‌های عالی برسند. علاوه بر آن، توده‌های مسیحی مصر اختلافات مذهبی شدیدی با رومیان داشتند. گروه‌هایی از پیروان آیین یهود نیز که در اسکندریه و سایر نقاط مصر پراکنده بودند، به دلیل عدم حمایت امپراتور روم از آنان در برابر مسیحیان، از او ناخشنود بودند.

تصویری از بقایای شهر اسکندریه

۱- بندر اسکندریه که به فرمان اسکندر مقدونی بنا گردید، در عصر باستان یکی از آبادترین شهرهای جهان بود و کتاب‌خانه بزرگ آن شهرت جهانی داشت.

۲- عمروعاص از جمله مکینانی بود که در آغاز مخالف سرسخت اسلام و پیامبر بود، اما اندکی پیش از فتح مکه و هنگامی که دریافت اسلام تمامی عربستان را فرا خواهد گرفت، به همراه خالد بن ولید به مدینه رفت و اسلام آورد. او مردی تیزهوش، فرصت‌طلب، مال‌دوست و بلندپرواز بود و برای پیشبرد مقاصد خود سخت تلاش می‌کرد. وی در جریان فتح شام حضور فعالی داشت و نقش مهمی در جلب رضایت خلیفه دوم برای لشکرکشی به مصر داشت. عمروعاص هنگام جنگ صفین به طمع حکومت مصر به معاویه پیوست و با حيله‌گری مانع شکست سپاه او شد.

در هر حال، اعراب مسلمان طی نبردهایی، لشکریان رومی را شکست دادند و شهرهای مصر را یکی پس از دیگری به جنگ و یا به صلح گشودند. بررسی پیمان‌های صلح مصریان با مسلمانان در منابع تاریخی، نشان می‌دهد که محتوای پیمان‌های مذکور شباهت زیادی به قرارداد صلح بیت‌المقدس دارد. موفقیت سریع و فتوحات درخشان نیروهای مسلمان در مصر بیشتر نتیجه عدم مقاومت مردم آن سرزمین در برابر سپاه اسلام بود. رفتار مسالمت‌آمیز و مداراجویانه پیروان اسلام با مسیحیان به هنگام فتح شام و امید به آزادی مذهبی در زیر سایه حکومت مسلمانان، تأثیر بسزایی بر متحد نشدن مصریان با رومیان داشت.

با فتح مصر (سال ۶۴۰ق)، سلطه و نفوذ سیاسی - نظامی امپراتوری روم شرقی در آن سرزمین از بین رفت، شام از خطر هجوم رومیان تا حدودی در امان ماند و زمینه برای پیشروی مسلمانان در دیگر مناطق آفریقا، مهیا شد.

آثار و پیامدهای فتوحات در زمان خلفای نخستین

فتوحات برق‌آسای مسلمانان در عصر خلفای نخستین از جهات

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل بررسی است. از نظر سیاسی، اعراب مسلمان در فاصله کمتر از ۲۰ سال، دو قدرت بزرگ جهان آن روز یعنی حکومت ساسانیان و امپراتوری روم شرقی را شکست دادند و سرزمین‌های مهم ایران، شام و مصر را تصرف کردند. به دنبال این پیروزی‌های نظامی، قلمرو خلافت گسترش زیادی یافت و مردمان و اقوامی مختلفی که زبان و فرهنگ متفاوتی با اعراب داشتند، تحت حکومت آنان قرار گرفتند.

به لحاظ اقتصادی، سرزمین‌های فتح‌شده ثروتمند و دارای شهرها و روستاهای آباد و بزرگی بودند. اعراب علاوه بر غنائم فراوانی که در جریان فتوحات کسب کردند، منابع اقتصادی و درآمدهای مالیاتی آن سرزمین‌ها را در اختیار خود گرفتند.

مهم‌ترین اثر و پیامد فتوحات در عرصه دین و فرهنگ جلوه‌گر شد. از یک‌سو، سپاهیان عرب دین اسلام را به سرزمین‌های فتح‌شده بردند و به تدریج مردم آن سرزمین‌ها مسلمان شدند؛ از سوی دیگر، ایران، شام و مصر دارای فرهنگ و تمدنی غنی و مردمان متمدنی بودند که سهم بسزایی در شکل‌گیری و شکوفایی تمدن اسلامی ایفا کردند.

پرسش‌های نمونه

- ۱ علل و نتیجه بروز جنگ‌های رده را بیان کنید.
- ۲ دلایل شورش مردم بر خلیفه سوم در شهرهای مختلف قلمرو اسلامی چه بود؟
- ۳ تفاوت شیوه تقسیم و توزیع بیت‌المال توسط علی علیه‌السلام با سه خلیفه پیش از او را توضیح دهید.
- ۴ دلایل سیاسی و اقتصادی مخالفت و دشمنی سران قریش با خلافت امام علی علیه‌السلام را شرح دهید.
- ۵ عوامل مؤثر بر موفقیت مسلمانان در فتح شام و مصر را در دو بعد سیاسی و اجتماعی بیان کنید.